

نگرشی بر ابعاد مسائل اساسی نظام بانکداری بدون ربا در تجربه جمهوری اسلامی ایران

نظام بانکداری بدون ربا در ایران مستند بر قانون عملیات بانکی بدون ربا که از آغاز سال ۱۳۶۳ به موقع اجرا درآمده است، مانند هر پدیده جدید با مسائلی مواجه است که می باید با نهایت دقت و به گونه جامع الاطراف مورد بررسی قرارگیرد.

بحث در ماهیت و چند و چون این مسائل با عنایت به ده سال تجربه نظام بانکداری جدید در کشور ما موضوع مقاله حاضر را تشکیل می دهد.

مسائل اساسی فرا روی نظام بانکداری اسلامی در تجربه جمهوری اسلامی ایران را، به نظر اینجانب، به سه گروه اصلی می توان تقسیم نمود:

الف - مسائل در ارتباط با قوانین و مقررات ناظر بر نظام بانکی جدید

ب - مسائل مربوط به ساختار نظام بانکی جدید

ج - مسائل مربوط به ماهیت و نوع عملیات در نظام بانکی جدید

الف - مسائل در ارتباط با قوانین و مقررات ناظر بر نظام بانکی جدید:

ج - مسائل مربوط به ماهیت و نوع عملیات در نظام بانکی جدید

در وضع موجود، پراکندگی و تشتت در قوانین و مقررات ناظر بر سیستم بانکی کشور، نخستین مساله اساسی است که در رابطه با نبود یک مجموعه مدون بانکی جلب توجه می نماید. در حال حاضر، قوانین و مقررات ناظر بر سیستم بانکی کشور، بترتیب تاریخ تصویب عبارتند از:

۱ - قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ مجلس شورای ملی

۲ - قانون ملی شدن بانکها مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ شورای انقلاب

۳ - لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸/۷/۳ شورای انقلاب

۴ - طرح ادغام بانکها مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجمع عمومی بانکها

۵ - عملیات بانکی بدون ربا که در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۸ به تصویب مجلس شورای

اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱۰ به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی رسیده است.

چنانکه ملاحظه می شود، در زمینه مورد بحث، طیف وسیعی از مجموعه قوانین و مقررات وجود دارد، مضافاً اینکه تعداد زیادی مصوبات مراجع دیگر از جمله شورای پول و اعتبار، شورای عالی بانکها، مجمع عمومی بانکها و هیات دولت نیز در ارتباط با مسائل مربوط به پول و بانکداری، براین مجموعه می باید افزوده شود.

نیاز به تذکار نیست که دراین مجموعه، تعدادی قانون و مصوبه وجود دارد که گرچه در

موقع تصویب قابل توجه و منطبق بر شرایط زمان بوده است، لکن در پاره ای موارد، نیازهای

امروز را برآورده نمی کند و لذا اگر توقع داشته باشیم که این قوانین و مقررات بتوانند نیازهای امروز ما را تامین کنند، یک تجدید نظر اساسی در مجموعه آنها ضرور می نماید تا هماهنگ و وافی به مقصود بوده باشند.

گفتنی است که حدود ۷ سال قبل، با عنایت به تقیصه مذکور که البته در شان جمهوری اسلامی ایران نمی باشد، کمیسیونی با شرکت تعدادی از کارشناسان بانک مرکزی جهت بازنگری قوانین موجود و تهیه و تدوین یک قانون جامع بانکی تشکیل گردید و در اوائل سال ۱۳۶۹ نیز فعالیت این کمیسیون تا مدت محدودی ادامه یافت. در این مورد ذکر دو نکته را ضرور می داند: اولاً با توجه به اینکه سعی کمیسیون یاد شده از آغاز بریک تجدید نظر اساسی در مجموعه قوانین و مقررات موجود و خصوصاً تعیین و تبیین خطوط اساسی فعالیتهای بانک مرکزی در راستای حفظ موقع و مقام و استقلال آن معطوف بوده است به اعتقاد این جانب، تداوم فعالیت کمیسیون مذکور ضرورت تام دارد.

ثانیاً تا هنگام تهیه و تکمیل مجموعه مدون مذکور که احياناً بعنوان یک گام اساسی بلند مدت می تواند مطمح نظر قرار گیرد، ضرورت ایجاب می نماید که در رفع نقایص و نیز کاستی ها و نارسایی های موجود، بطرق مقتضی و در کوتاه مدت، اقدام لازم بعمل آید. مهمتر از همه تداخلهایی است که در برخی قوانین و مقررات موجود ملاحظه می شود. بعنوان مثال از مادتين ۱ و ۲ و نیز ماده ۲۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا و مادتين ۱۰ و ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور می توان یاد کرد که اهداف و وظایف بانک مرکزی را برمی شمارند.

درست است که قانون عملیات بانکی بدون ربا "موخر" بر قانون پولی و بانکی کشور می باشد، لکن به موجب ماده ۲۷ همان قانون (عملیات بانکی بدون ربا)، از آنجا که وظایف و

اختیارات مذکور در مادتين ۱۰ و ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور به مرجع ذیصلاح دیگری سپرده نشده است و بنابراین، همچنان به قوت خود باقی است، لازم است اهداف و وظایف بانک مرکزی بگونه‌ای متحد الشکل و منسجم در مجموعه مدون یاد شده ذکر گردد تا از تفرق موجود اجتناب و به دیگر سخن، "کثرت" به "وحدت رویه" تبدیل شود.

علاوه بر این مورد خاص، این عدم هماهنگی در متن قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز ملاحظه می‌شود؛ به زبان علمی، قانون مورد بحث "جامع" نیست چرا که دو فصل جداگانه آن به بانک مرکزی اختصاص یافته است:

فصل اول تحت عنوان "اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران" که عمدتاً به بانک مرکزی مربوط می‌شود و فصل چهارم تحت عنوان "بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سیاست پولی" که احکام مربوط به بانک مرکزی علی‌الاصول ذیل عنوان مذکور می‌باید درج شده باشد. "مانع" نیست چرا که ماده ۲ فصل اول قانون مشعر بر وظایفی است که بعضاً نیاز به ذکر در متن قانون ندارد و معمولاً این وظایف در آیین نامه‌های مرتبط با قانون ذکر می‌شود. گذشته از این، منظور از واژه "نظام بانکی" در فصل اول قانون تبیین نشده است، و چون نظام بانکی مذکور در این فصل به یک معنی، بانک مرکزی را نیز در برمی‌گیرد، لذا در ماده ۲ فصل مذکور وظایفی آمده است که قسمت اعظم آنها مختص بانک مرکزی است و چنانکه در متن قانون ملاحظه می‌شود، جهت رفع شبهه در شور دوم تصویب قانون، در خاتمه هر بند ماده ۲ عبارت "طبق قانون و مقررات" ذکر شده است که البته متناسب و در شان "قانون نویسی" نمی‌باشد.

نکته شایان توجه دیگر که بی‌تردید با نقش استقلال بانک مرکزی مبیانت دارد، تغییری

است که متعاقبا در برخی موارد آیین نامه های فصل چهارم و پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا داده شده است ، بدین توضیح که طبق ماده ۲۰ قانون مذکور : " بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در حسن اجرای نظام پولی و اعتباری کشور می تواند با استفاده از ابزار ذیل (ابزار مندرج ذیل همین ماده) (۱) ، طبق آیین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران می رسد براساس ماده ۱۹ در امور پولی و بانکی دخالت کند ."

به موجب ماده ۳ آیین نامه فصل چهارم قانون مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ هیئت وزیران :
 "ماده ۳- در حسن اجرای سیاست پولی و اعتباری و حفظ ارزش پول ، بانک مرکزی می تواند علاوه بر بکارگرفتن ابزار سیاست پولی موضوع قانون پولی و بانکی ، در حدی که مغایر مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا ، نباشد با تصویب شورای پول و اعتبار و با استفاده از ابزار ذیل (ابزار مندرج ذیل ماده ۲۰ قانون) (۲) در امور پولی و بانکی دخالت داشته باشد ."

طبق ماده ۶ آیین نامه فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ هیئت وزیران : " دستورالعمل ها و ضوابط اجرایی این آیین نامه توسط بانک مرکزی تهیه و پس از تصویب شورای پول و اعتبار ، بموقع اجرا گذاشته خواهد شد ."

تبصوه - بانک مرکزی مکلف است دستورالعمل های صادره را بلافاصله به اطلاع شورای اقتصاد برساند .

مواد مذکور در این دو آیین نامه ، متعاقبا طی یکی از مصوبات هیئت وزیران تغییر یافته و براساس مفاد این مصوبه (۳) ، به جای "شورای پول و اعتبار" ، "وزیر امور اقتصادی و دارایی" و به جای "بانک مرکزی" ، "وزارت امور اقتصادی و دارایی" جایگزین گردیده است .

این تغییر ، علاوه برآنکه از مصادیق بارز دخالت امور مجریه در امور مقننه بوده و

بنابراین با "اصل تفکیک قوای ثلاثه" در تضاد است، چنانکه بارها و به مناسبت‌های مختلف خاطر نشان گردیده است (۴) آشکارا با نقش استقلال بانک مرکزی مغایرت دارد.

علاوه بر این، آیین نامه‌ها و دستورالعمل‌های مربوط به فصول مختلف قانون عملیات بانکی بدون ربا در موارد عدیده، چه از نظر کاربرد اصطلاحات قانونی (۵) و چه به لحاظ محتوای مواد مندرج در متن مصوبات مذکور، نیاز به تجدید نظر اساسی دارد که این اصلاحات و تغییرات بعضاً بصورت موردی در مراجع ذیربط (۶) طرح گردیده لکن مبتنی بر یک مطالعه جامع الاطراف نبوده است.

ب - مسائل مربوط به ساختار نظام بانکی جدید :

مسائل مربوط به ساختار نظام بانکی جدید را از سه لحاظ می‌باید مطمح نظر قرار داد :

۱- از لحاظ شکل حقوقی

۲- از لحاظ شکل سازمانی

۳- از لحاظ شکل عملیاتی

۱- از لحاظ شکل حقوقی :

از این دیدگاه، نکته قابل ملاحظه‌ای که مطرح می‌شود، توجه دقیق به مفاهیم "ملی

شدن" (۷) و "دولتی شدن" (۸) بگونه‌ای است که در واژگان حقوقی مصطلح گردیده است.

متأسفانه، این دو واژه در پاره‌ای موارد مترادف تلقی می‌شود، حال آنکه "ملی شدن"

چنانکه از این اصطلاح و مترادف آن در زبانهای دیگر مستفاد می‌شود، بدین مفهوم نیست که

دولت کلاً مالکیت و کنترل امور و شوون اقتصادی را برعهده گیرد. تعاریفی که از این واژه در

فرهنگهای معتبر ملاحظه می‌شود، موبد این نظر است (۹).

حال آنکه، "دولتی شدن" چنانکه از مفاد آن استنباط می گردد، مالکیت و کنترل تمامی شوون اقتصادی توسط دولت است و طبعاً این شیوه اداره امور اقتصادی مختص کشورهایی است که دارای اقتصاد متمرکز (۱۰) می باشند، و در چنین کشورهایی بخش خصوصی به اصطلاح "محلی از اعراب" ندارد.

با توجه بدین برداشت، در رابطه با شکل حقوقی نظام بانکی جدید، مشخصاً دو سوال اساسی مطرح است: اول اینکه آیا در نظام جدید بانکی که در کشور ما تصادفاً با تصویب قانون ملی شدن بانکها مقارن بود، بانک اسلامی لزوماً باید ملی باشد؟ عبارت دیگر، آیا ملی شدن "پیش نیاز" اسلامی کردن بانکها است؟ سوال دوم این است که در شرایطی که اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی براین نکته تأکید دارد که "تفسیر ضوابط و قلمرو و شرایط" هر سه بخش را قانون تعیین می کند، آیا موارد برشمرده در بخش دولتی که شامل بانکداری نیز می شود، بنابر آنچه از مدلول اصل مذکور مستفاد می شود، باید بصورت مالکیت عمومی "در اختیار دولت" قرار گیرد یا فارغ از مفاد صریح این اصل عملاً در "انحصار دولت" باشد؟

به ضرس قاطع می توان اظهار داشت که مراد نویسندگان و تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از مفاد اصل ۴۴ چنین برداشتی نبوده است و مدلول قسمت اول اصل مذکور "بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ..... و مانند اینهاست که بصورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است"، چنین متبادر به ذهن نمی نماید که پس، صنایع و موارد برشمرده در این اصل، به لحاظ خصیصه مالکیت عمومی در انحصار دولت نیز قرار دارد. به بیان دیگر، عبارت "در اختیار دولت است" تحقیقاً مفید معنای "در انحصار دولت است" نمی باشد.

جالب توجه این است که انعکاس این برداشت جای جای ، در برخی از قوانین مصوب دیگر نیز ملاحظه می شود. به عنوان مثال از "قانون عملیات بانکی بدون ربا" می توان یاد کرد که تصویب آن در شور اول با طرح و تصویب لایحه قانونی تجارت خارجی در دوره اول مجلس شورای اسلامی مقارن بوده است و این تقارن ، تبصره ماده ۹ قانون مذکور را تحت تاثیر قرار داده است ، در تبصره ماده ۹ قانون مورد بحث می خوانیم: "بانکها در امر واردات مجاز به مضاربه با بخش خصوصی نمی باشند".

حال در شرایطی که هنوز "بخش خصوصی" قانونا تعریف نشده است ، در عین حال که فلسفه وضع این تبصره بدرستی معلوم نیست ، سوال اساسی از لحاظ تکنیک "قانون نویسی" این است که مفاد این تبصره که اولاً جای آن در قوانین مربوط به تجارت خارجی است و ثانیاً بر یک "حکم موردی" دلالت دارد ، به چه مناسبت در تبصره یکی از مواد قانون عملیات بانکی بدون ربا ذکر شده است ؟

با عنایت به مراتب مذکور و نگرشی بر نیازها ، ضرورتها و اولویتهایی که در شرایط موجود مطرح است ، چنین بنظر می رسد که ادامه خط مشی مباشرت دولت در جمیع امور اقتصادی - سیاسی که بیشتر متناسب و منطبق بر شرایط و مقتضیات زمان نبرد تحمیلی با دشمن بعثی عراق بوده است ، هم اکنون قابل توجه نباشد . حفظ ساختار کنونی و بعبارت دیگر تداوم مباشرت دولت در اداره امور بانکهای کشور نیز از این مقوله کلی مستثنی نیست .

چنانکه اشاره شد ، استناد به اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله دلایلی است که در تداوم این مباشرت اقامه می شود در این خصوص ذکر دو نکته راضور می داند : نکته اول این است که جز اصول لایتغیر قانون اساسی ، بقیه موارد نباید به عنوان "احکام

اولیه " و یابعبارت دیگر " وحی منزل " تلقی شود . می دانیم که پیش بینی شورای بازنگری در فصل چهاردهم قانون مورد بحث به همین منظور بوده است (۱۱) . نکته دوم ، توجهی است که به قسمت اخیر اصل ۴۴ قانون اساسی می باید معطوف گردد . آنچه که در این قسمت از اصل مذکور عنوان گردیده است ، " تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط سه بخش دولتی ، تعاونی و خصوصی " است که طبق مفاد آن قوانین ذیربط توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب خواهد رسید . لکن تا این تاریخ ، جز در مورد بخش تعاون ، در خصوص تهیه و تدوین و تصویب قوانین مربوط به حدود و ثغور بخشهای دولتی و خصوصی ، یعنی مهمترین بخشهای اقتصاد کشور ، اقدام موثری بعمل نیامده است .

بدیهی است رفع خلاء قانونی در زمینه های فوق الذکر که پس از سه دوره قانون گذاری هنوز هم در هاله ای از ابهام قرار دارد در تعیین و تبیین خطوط اساسی اقتصاد کشور و به طریق اولی در تعیین شکل حقوقی و ساختار سیستم بانکی کشور تاثیر بسزا خواهد داشت .

۲- از لحاظ شکل سازمانی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تعداد بانکهای کشور ، مستند بر قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیر ماه ۱۳۵۱ و طرح ادغام بانکها مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجمع عمومی بانکها (۱۲) از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، شش بانک تجاری (بانک ملی ایران ، بانک سپه ، بانک ملت ، بانک تجارت ، بانک صادرات و بانک رفاه کارگران) و چهار بانک تخصصی (بانک صنعت و معدن ، بانک کشاورزی ، بانک مسکن و بانک توسعه صادرات (۱۳) تشکیل می شود .

در حال حاضر ، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، در چارچوب قانون پولی و بانکی کشور و بقیه بانکهای کشور به کیفیتی که در لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸/۷/۳

شورای انقلاب پیش بینی شده است ، اداره می شوند . طبق ماده ۱۶ قانون پولی و بانکی کشور ، ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب عبارتند از :

۱- مجمع عمومی

۲- شورای پول و اعتبار

۳- هیات عامل

۴- هیات نظارت اندوخته اسکناس

۵- هیات نظار

این ترکیب که متعاقبا با تغییراتی مختصر در جلسه مورخ ۱۳۵۸/۱۲/۱۸ شورای انقلاب اسلامی ایران به تصویب رسید ، در حال حاضر همچنان حاکم بر امور اداری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است ، لکن مصوبه ناظر بر اداره امور بانکهای کشور ، باستثنای بانک مرکزی ، دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که قسمتی از آن در فصل مربوط به ارکان بانکهای کشور منعکس است . طبق ماده ۲ لایحه قانونی اداره امور بانکها مصوب ۱۳۵۸/۷/۳ شورای انقلاب ، ارکان بانکهای کشور به شرح ذیل احصاء گردیده است :

۱- مجمع عمومی بانکها

۲- شورای عالی بانکها

۳- هیات مدیره هر بانک

۴- مدیر عامل هر بانک

۵- بازرسان قانونی هر بانک

براساس مصوبه مذکور ، مجمع عمومی و شورای عالی بانکها ، از نظر اداره امور مربوط به

سیستم بانکی کشور، بااستثنای بانک مرکزی، در بالاترین و عالی ترین سطح قرار دارند.

براساس مادتين ۳ و ۱۰ لایحه قانونی اداره امور بانکها واصلاحیه های بعدی آن، ترکیب

مجمع عمومی و شورای عالی بانکها به شرح ذیل تعیین گردیده است:

الف - مجمع عمومی بانکها متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارائی (به عنوان رئیس

مجمع)، وزیر صنایع، وزیر صنایع سنگین، وزیر معادن و فلزات، وزیر بازرگانی، وزیر کشاورزی

، وزیر مسکن و شهرسازی، رئیس سازمان برنامه و بودجه .

ب - شورای عالی بانکها متشکل از رئیس کل بانک مرکزی (به عنوان رئیس شورا)

مدیر عامل بانک ملی ایران، نمایندگان وزارتخانه های امور اقتصادی و دارائی، صنایع، صنایع

سنگین، معادن و فلزات، بازرگانی، کشاورزی، مسکن و شهرسازی و نماینده رئیس سازمان

برنامه و بودجه .

این ترکیب که در شرایط زمان تصویب لایحه یاد شده به علت تغییر ساختار اقتصاد

کشور و علی الخصوص به لحاظ نبرد تحمیلی و نابرابر با دشمن بعثی عراق تمرکز هر چه بیشتر

فرماندهی و اداره امور بانکهای کشور را ایجاب می نمود، در شرایط کنونی، شدیداً قابل تامل بنظر

می رسد. سوالی که در این زمینه بلافاصله متبادر به ذهن می شود این است که با عنایت به

ملاحظات مذکور در فوق، آیا بافت کنونی بانکها در ارتباط با ابقاء مجمع عمومی و شورای عالی

مشترک آنها قابل توجیه می باشد یا اصلح است که هر بانک دارای مجمع عمومی و شورای عالی

مخصوص به خود باشد؟

به نظر اینجانب بر شکل سازمانی بانکهای کشور در ارتباط با مجمع عمومی

و شورای عالی مشترک آنها اشکالاتی مترتب است که ذیلا به ذکر برخی موارد مبادرت می شود:

الف - تجربه سالهای اخیر ، حاکی از آن است که بانکهای ما به ایجاد انگیزه و رقابت تمایل چندانی ابراز نمی دارند. این عدم تمایل عمدتاً از ماهیت " ملی شدن " و در واقع " دولتی شدن بانکها " ناشی می شود که مجمع عمومی و شورای عالی مشترک بانکها از لوازم و تبعات آن است .

ب - در چنین شرایط ، سود مورد انتظار سپرده گذاران که بر اثر کاربرد سپرده های سرمایه گذاری در مصارف مختلف معینه حاصل می گردد ، همه ساله با ملاحظه تراز سالانه و عملکرد بانکهای کشور به گونه علی الحساب و توسط مجمع عمومی بانکها تعیین می گردد که در واقع میانگین موزون سود بانکها در یک تراز سالانه تلفیقی است . بدیهی است ارقام اعلام شده ، به هیچ روی مبین سود حاصل از عملیات مختص به هر بانک نمی تواند باشد و تداوم این روش ، نه به نفع بانکهایی است که در حصول آن بیشترین تلاش را مبذول داشته اند و نه به سود سپرده گذارانی است که بانک بخصوصی را برای سپرده گذاری خود برگزیده اند و طبیعتاً و منطقاً از آن بانک انتظار بیشتری را دارند .

ج - شورای عالی بانکها به شکل و با ترکیب کنونی ، متشکل از نمایندگان وزارتخانه هایی است که بعضاً به حفظ منافع سازمان متبوع خود می اندیشند و به اهمیت و حساسیت نظرات و سیاستهایی که علی القاعده در چنین مرجع مهم و معتبری می باید مورد بررسی جامع الاطراف قرارگیرد و شمول آن ناظر بر تمامی بانکهای کشور باشد و نه یک بانک یا سازمان بخصوص عنایت چندانی مبذول نمی دارند .

د - پاره ای از مقررات مصوب مجمع عمومی بانکها از جمله آیین نامه مشترک استخدامی کارکنان بانکهای کشور که سرنوشت تمامی کارکنان نظام بانکی اعم از بانکهای تجاری

و تخصصی رابه گونه ای یکنواخت و به اصطلاح "استاندارد" رقم زده است، در جریان عمل با کاستی ها و نارسائیهای همراه است.

رفع بسیاری از مشکلات برشمرده فوق، به اعتقاد نویسنده، ضرورت بازنگری و تجدید نظر اساسی در شکل حقوقی و سازمانی نظام بانکی جدید از جمله پیش بینی مجمع عمومی و شورای عالی برای هربانک و لاقبل برای گروه بانکهای تجاری و تخصصی را ایجاب می نماید.

۳- از لحاظ شکل عملیاتی:

در نظام بانکی جدید، باحذف ربا از کلیه عملیات بانکی، تجهیز و تخصیص منابع به گونه ای انجام می پذیرد که چه از نظر شکل و چه از لحاظ محتوی با عملیات متناظر خود در نظام بانکداری مرسوم (ربوی) قابلیت مقایسه ندارد. این عملیات خصوصا در ارتباط با تخصیص منابع، از اهمیت خاصی برخوردار می باشد. از این دیدگاه، اهم ویژگیهای نظام بانکی جدید را در موارد ذیل می توان خلاصه کرد:

۱- در تسهیلات اعطایی بانکها، وام و اعتبار، به مفهوم کلاسیک خود، جز در مورد قرض الحسنه محلی از اعراب ندارد و چنانچه تسهیلات مذکور به نحوی از انحاء و یا تمهیداتی در قالب "وام" و "اعتبار" و مشخصا "اعتبار در حساب جاری" قرار گیرد، این تمهید و در واقع تحریف، نقض غرض آشکار و مغایر موازین و ضوابطی است که در واقع شالوده و "بنیان مرصوص" بانکداری اسلامی را تشکیل می دهد. در این مورد، به عنوان شاهد مثال، کافی است که به "فاکتورهای غیر واقعی" در خصوص برخی مضاربه های بانکی و یا "سفته های صوری" در ارتباط با خرید دین به اشارتی برگزار شود.

۲- در تجربه کشور ما، تسهیلات اعطایی بانکی با توجه به شکل حقوقی و نحوه

عمل (۱۴) در چهارده ابزار تامین مالی (۱۵) و به شرح ذیل تعبیه شده اند:

- ۱- قرض الحسنه اعطایی . ۲- مضاربه . ۳- مشارکت مدنی
- ۴- مشارکت حقوقی . ۵- سرمایه گذاری مستقیم . ۶- فروش اقساطی مواد اولیه.
- ۷- فروش اقساطی وسائل و لوازم . ۸- فروش اقساطی مسکن .
- ۹- اجاره به شرط تملیک . ۱۰- سلف . ۱۱- جعاله .
- ۱۲- خرید دین . ۱۳- مزارعه . ۱۴- مساقات .

تسهیلات اعطایی مذکور را در ارتباط با عقود متناسب با ماهیت حقوقی هریک از آنها، می توان در چهار گروه اصلی ذیل طبقه بندی نمود:

الف - گروه مشارکات در ارتباط با "عقد شراکت" و مشتمل بر: مضاربه، مشارکت مدنی و حقوقی، سرمایه گذاری مستقیم، مزارعه و مساقات.

ب - گروه مبادلات در ارتباط با "عقد بیع" و مشتمل بر: فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، سلف، خرید دین.

ج - گروه تعهدات در ارتباط با عقد جعاله و مشتمل بر: جعاله و به یک تعبیر افتتاح اعتبارات اسنادی و صدور ضمانت نامه (۱۶).

چنانکه ملاحظه می شود، تسهیلات اعطایی بانکی، در تجربه کشور ما از تعدد و تنوع قابل ملاحظه ای برخوردار است. این تعدد و تنوع، در عین حال که از لحاظ تقسیم و توزیع ریسک یکی از وجوه تمایز تجربه کشور ما را در مقایسه با نظام بانکداری مرسوم (ریوی) تشکیل می دهد، از دو دیدگاه می باید مطمح نظر قرار گیرد:

- ۱- توزیع فراوانی تسهیلات اعطایی بانکی و آثار مترتب بر آن در وضع موجود.

۲ - تقلیل تعداد تسهیلات اعطایی از طریق جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود .

۱ - توزیع فراوانی تسهیلات اعطایی بانکی و آثار مترتب بر آن در وضع موجود :

توزیع مانده تسهیلات اعطایی سیستم بانکی به بخش خصوصی در دوره مورد بررسی این مقاله (۷۰-۱۳۶۳) حاکی از آن است که تمرکز منابع بانکها از محل سپرده های قرض الحسنه و سرمایه گذاری عمدتا در تسهیلات کوتاه مدت بوده و به بیان دیگر در معاملات تجاری و بازرگانی به کار گرفته شده است .

تمرکز منابع تسهیلات اعطایی کوتاه مدت که به گونه ای مشابه در تجربه بانکداری اسلامی در پاکستان نیز ملاحظه می شود (۱۷)، از مسائل شایان توجهی است که ممکن است تاثیر منفی بر ثبات وضع دارائیهای بانک را به همراه داشته باشد . گرایش فکری تحصیل حداکثر سود در اغلب بانکداران ما که هنوز هم تحت تاثیر افکار گذشته قرار دارند و مدیریت بانکی را به جای " کارآیی " در " سوددهی محض " می پندارند از یک سو و نبود ساختارهایی مانند بازار سرمایه ، طبعا توجه و تمایل به استفاده بیشتر از تسهیلات کوتاه مدت را امکان پذیر می سازد . در عین حال این روش تامین مالی که با توجه به مکانیسم درونی ، ساده تر و سود آور تر از سایر روشهای مالی است ، لاقلا بطور غیر مستقیم موجب تساهل بانکداران ما گردیده و از تمایل و تلاش آنان در استفاده از روشهای دیگر که بی تردید از نظر اقتصادی متضمن آثار و تبعات مفیدی است می کاهد . این مشکل و نیز مشکلات ناشی از تمدید و جریمه تاخیر تادیه که مورد ابتلای غالب تسهیلات اعطایی بانکی در شرایط موجود است ، از چندی قبل شقوق مختلف امکانات جایگزینی مشارکت مدنی با دیگر عقود را که ذیلا به اختصار مورد بررسی قرار خواهیم داد ، به میان آورده است .

۲ - تقلیل تعداد تسهیلات اعطایی از طریق جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود :

در میان تسهیلات اعطایی بانکی ، مشارکت مدنی با طیف وسیع کاربردی خود ، مناسب‌ترین ابزاری است که در تامین نیازهای مالی تولیدی ، بازرگانی و خدماتی به سادگی و آسانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد .

این ویژگی تا حدودی منحصر به فرد ، برخی از صاحب‌نظران را برآن داشته است که در خصوص جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود نظریات ذیل را ارائه دهند :

اول - یک نظریه رادیکال که جایگزینی منحصر به فرد مشارکت مدنی را به جای سایر عقود وافی به مقصود می‌داند .

دوم - یک نظریه مخالف و به اصطلاح " سلبی " که به هیچ‌گونه جایگزینی اعتقاد ندارد . (نظریه حفظ وضع موجود) .

سوم - یک نظریه اعتدالی که قائل به جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود در معیت دو یا سه ابزار موجود و ترجیحاً سلف و قرض الحسنه است .

اهم دلایل طرفداران نظریه اول :

۱ - در مشارکت مدنی مشکل تمدید که در حال حاضر یکی از مسائل مورد ابتلای بانکداری بدون ربا است حل می‌شود ، مضافاً اینکه در صد تسهیم سود در زمان تمدید تغییر نمی‌کند و مدت تمدید شده تاثیری در نسبت سهم سود ندارد

۲ - برخلاف مضاربه که در آن هزینه های قابل قبول منحصر به هزینه های اصلی است و سرمایه نقدی باید یکجا پرداخت شود ، در مشارکت مدنی هر نوع هزینه دیگر با توافق طرفین می‌تواند در قرارداد قید شود و تامین سرمایه نیز به دفعات مقدور است .

- ۳- حل مشکل اخذ وثیقه و احتمال حذف آن در بلندمدت و نیز حل مشکل جریمه تاخیر تادیه امکان پذیر می گردد .
- ۴ - با توجه به کاهش تعداد ابزار تسهیلاتی و به تبع آن آزادسازی بخشی از نیروی انسانی نظام بانکی، شرایط و فرصت مناسب برای آموزش، تحقیق و مطالعه کارکنان شبکه بانکی فراهم می آید .
- ۵ - نظارت بر مصرف تسهیلات اعطایی و اجرای طرحها و در نتیجه تضمین صحت معاملات بیش از پیش امکان پذیر می گردد .
- ۶ - سادگی و کاربرد وسیع جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود، در تسریع امور روزمره، حذف تشریفات زائد و هزینه های اضافی و اجتناب از صدور پی در پی بخشنامه های مکرر و کلیشه ای تاثیر بسزا دارد.
- ۷ - با اتخاذ این روش، بر اثر کاربرد روشهای متحدالشکل و اجتناب از اعمال سلیقه های مختلف، هماهنگی بین بانکها و نیز بین بانکها و بانک مرکزی بیش از پیش تامین می گردد.
- ۸ - واژه مشارکت در مقایسه با سایر عقود، علاوه بر آنکه در فرهنگ مردمی، مانوس تر از سایر واژگان است، با روح و جوهره نظام بانکداری اسلامی (مشارکت در سود و زیان PLS) انطباق بیشتری دارد .
- ۹ - با اتخاذ این روش، تهیه آمار تسهیلات اعطایی بانکها و دسترسی به اطلاعات گروه بندی شده بر حسب نوع فعالیت اقتصادی (بخشهای اقتصادی) سهل تر می گردد.
- ۱۰ - بانکها در ارزیابیها، سودآوریا و در نتیجه کاهش ریسک در حالت مشارکت مدنی سرعت و دقت بیشتری مبدول خواهند داشت .

اهم دلایل طرفداران نظریه دوم:

۱- تعدد عقود به محتوای بانکداری اسلامی غنا می بخشد و نباید به عنوان نقطه ضعف تلقی گردد.

۲- تعدد ابزار، در صورت درک صحیح مفاهیم و مصادیق آنها، نباید به عنوان اشکال کار قلمداد شود.

۳- همانگونه که هریک از اعضاء بدن انسان به تنهایی و در یک ارتباط ارگانیک وظیفه خاصی را برعهده دارد، ابزار پیش بینی شده در نظام بانکی جدید نیز با توجه به ابعاد نظری و کاربردی هریک از آنها و در یک ارتباط مجموعه ای تنظیم گردیده اند و حذف یکی از آنها می تواند کل مجموعه یا نظام را دچار اختلال نماید.

۴- جوابگویی به تمامی نیازها به تنهایی توسط مشارکت مدنی، به معنای بلااستفاده ماندن سایر عقود است، عقودی که با دقت نظر و مطالعات جامع الاطراف از میان گستره ای از عقود اسلامی انتخاب و در نظام بانکی جدید کشور پیاده شده اند.

۵- مشارکت مدنی خود محدودیتهایی دارد و به تمرکز بیشتر وجوه نزد عده ای محدود می انجامد.

۶- مشارکت مدنی، به تنهایی نمی تواند جوابگوی نیازهای پولی و مالی بخشهای مختلف اقتصادی باشد.

۷- مشارکت مدنی، نیاز تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را پاسخگو نیست.

جمع بندی:

۱- قدر مسلم این است که تسهیلات اعطایی بانکی به شکل کنونی و در جریان عمل با

دشواریها، نارسائیهها و ناهماهنگی هایی مواجه است. جایگزینی مشارکت مدنی به جای سایر عقود، از جمله تدابیر و تمهیداتی است که می تواند در رفع مشکلات اجرایی ناشی از کاربرد تسهیلات اعطایی در قالب عقود اسلامی تاثیر بسزا داشته باشد، علی الخصوص که نتایج بدست آمده از بررسی های موجود (۱۸) این مدعا را تایید می نماید.

در پاسخ به پرسشنامه های تنظیم شده در این زمینه، نتایج بدست آمده به جدول ذیل منتهی گردیده است. در این پرسشنامه دو گروه از کارکنان بانکها مورد نظر قرار داشته اند: گروه اول متشکل از کارکنان ستادی و گروه دوم متشکل از کارکنان صفی بانکها (۱۹).

| بیطرف | خیر | آری | |
|-------|-------|-------|-----------------|
| ۲۱/۶۲ | ۴۵/۹۵ | ۳۲/۴۳ | گروه اول (درصد) |
| ۲۳/۲۰ | ۲۲/۵ | ۵۴/۳۰ | گروه دوم (درصد) |

۲ - نتایج بدست آمده از این بررسی آماری و نیز بررسیهای آماری دیگر (۲۰) موید

تجدید نظر اساسی در شکل عملیاتی بانکهاست، به گونه ای که نظام بانکی کشور را از ناهماهنگی ها، تداخل وظایف، دوباره کاری، اتلاف وقت و منابع رهایی بخشد و آنچه را که از محل سپرده های مردم در اختیار آنان قرار می دهد حقیقتاً در قالب "تسهیلات" باشد و نه "تضییقات".

۳ - براساس یک تحقیق آماری دیگر در ارتباط با وضع کارکنان بانکها در مقاطع مختلف

تحصیلی، در دوره مورد بررسی (۶۹ - ۱۳۵۹)، بیشترین افزایش در مقطع دیپلم صورت گرفته است. مفهوم آن این است که بیشترین افراد استخدام شده در میان این گروه تحصیلی قرار داشته‌اند لکن درمقاطع فوق لیسانس و دکترا از تعداد افراد کاسته شده است و به ترتیب سیستم بانکی با ۲۲/۲ درصد و ۱۵/۱ درصد کاهش مواجه بوده است (۲۱). تحقیق آماری دیگر حاکی است که تنها حدود ۶ درصد از کارکنان شبکه بانکی دارای تحصیلات عالی هستند و ۳۱ درصد آنان تحصیلات کمتر از دیپلم دارند (۲۲). بدیهی است که در این شرایط، علی‌رغم آموزش نسبتاً وسیع، آشنایی کامل با عقود پیش بینی شده در نظام بانکی جدید که هر یک از آنها در فقه پر بار اسلامی، جایگاه خاصی دارد و فراگرفتن مسائل و رموزشان مستلزم ساعتها بحث و مناظره است، در کوتاه مدت انجام نمی پذیرد و بنابراین هر قدر برنامه کار بانکها و مردم از این حیث سبکتر باشد، از سردرگمی و پریشانی هر دو گروه به مقدار قابل ملاحظه ای کاسته خواهد شد.

۴ - در شرایط موجود، همانگونه که اشاره شد، تسهیلات اعطایی از محل سپرده های سرمایه گذاری بر منابع کوتاه مدت بانکها متمرکز است. این تمرکز، علاوه بر مشکلات بر شمرده سابق الذکر، موجب می شود که نظام بانکداری اسلامی در کشور ما، از قالب اصلی خود خارج گردد و گرایش عمده آن به جانب تسهیلاتی باشد که از نظر ماهیت و نوع عملیات با یک نظام بانکی مبتنی بر مشارکت در سود و زیان (۲۳) سازگار نیست. به لحاظ اهمیت موضوع، ذیلا اشارتی خواهیم داشت کوتاه و گذرا بر ماهیت و نوع عملیاتی که علی الاصول در یک نظام بانکداری بدون ربا باید انجام پذیرد و سپس این مساله اساسی را در تجربه کشورمان مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد.

ج - مسائل مربوط به ماهیت و نوع عملیات در نظام بانکی جدید:

نیاز به تذکار نیست که در نظام بانکداری اسلامی، پرداخت و دریافت هرگونه بهره ممنوع است. بدینگونه، بانکها از حالت مرسوم و سنتی خود که صرفاً واسطه وجوه بودن یعنی وام دهی و وام گیری ربوی است خارج گردیده و به صورت موسسات سرمایه گذاری و مشارکت کننده در سرمایه در می آیند. به عبارت دیگر، با این تحول، بانکها از قالب سنتی خود یعنی واسطه گری وجوه (۲۴) و یا تجارت در بازار پول درآمده و به مشارکت در بازار واقعی یعنی بازار سرمایه و قبول سود و زیان حاصل از آن گرایش می یابند.

این دگرگونی اساسی در وظایف بانکها، به معنای آن است که فعالیتهای تخصصی و سنتی بانکها که صرفاً اداره پول (۲۵) به منظور کسب حداکثر بهره مترتب بر آن است، می باید به نوع دیگری از تخصص تبدیل شود و این تخصص علاوه بر آشنایی با مبانی و مفاهیم عقود اسلامی، تخصص جدیدی را که مستلزم وقوف بر نحوه شرکت در معاملات بازرگانی، حق العمل کاری، احداث و اداره کارخانه با قبول هر نوع ریسک مترتب بر آن است ایجاب می نماید (۲۶).

قبل از ادامه این بحث، خاطر نشان می نماید که "بانکداری اسلامی" به مفهوم امروزی خود از قدمت دیرینه ای برخوردار نیست و تنها در دو دهه اخیر است که این اصطلاح در آثار متفکران و اقتصاد دانان اسلامی به چشم می خورد و لذا هنوز تعریف جهان شمول و متفق القولی را در این زمینه نمی توان ارائه داد. بطور کلی، در حال حاضر ماهیت و نوع عملیات بانکداری اسلامی از سه دیدگاه مورد بررسی صاحب نظران قرار دارد:

برخی از متفکران، بانک اسلامی را به مثابه "واسطه وجوه" تلقی می نمایند. به نظر آنان، بانک اسلامی با اتکاء به شبکه اطلاعاتی خود، منابع مالی مورد نیاز را از طریق تخصیص

سپرده‌های گردآوری شده و در قالب تسهیلات مبتنی بر موازین شرعی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد. طبعاً پس از انقضاء قرار دادهای ذریبط کار بانک اسلامی نیز خاتمه می‌پذیرد.

برخی از صاحب‌نظران دیگر بانک اسلامی را از دیدگاه یک موسسه مالی مورد بررسی قرار می‌دهند. موسسه‌ای که به عنوان یک شریک با طرف دیگر قرارداد (متقاضی تسهیلات) به انعقاد قرارداد مشارکت در امور تولیدی و سرمایه‌گذاری مبادرت نموده و سود حاصل از فعالیت خود را به نسبت‌های مورد توافق قبلی بین یکدیگر تقسیم می‌نمایند.

بعضی از صاحب‌نظران، ماهیت و نوع عملیات بانک اسلامی را تلفیقی از دو نوع فعالیت مذکور در فوق می‌دانند. در اینصورت، بانک اسلامی به منزله بانک چند منظوره‌ای خواهد بود که تمامی خدمات مورد نیاز متقاضیان را در چارچوب قراردادهای ذریبط و براساس موازین اسلامی تامین خواهد نمود (۲۷).

بنظر می‌رسد که نگرش اخیر، از دو مورد نخستین چه از لحاظ نظری و چه از جهات عملی بیشتر قابل توجیه باشد. ما نیز در کشور خود بانکداری اسلامی را به همین منوال به اجرا درآورده ایم. لکن، همانگونه که اشاره شد، گرایش فکری تحصیل حداکثر سود در اغلب بانکداران، که مدیریت بانکی را به جای "کارآیی" در "سوددهی محض" می‌دانند و نبود ساختارهایی مانند بازار سرمایه، توجه و تمایل بانکداران را به استفاده بیشتر از تسهیلات کوتاه‌مدت معطوف داشته است. بعبارت دیگر، بانکها به لحاظ دولتی بودن (از نظر ساختار) و کمبود پرسنل متخصص و آشنا به امور تولیدی و سرمایه‌گذاری، در چند سال اخیر عملیات خود را در اموری متمرکز کرده‌اند که در آن بیشترین تخصص را دارند که آن همان نقل و انتقال پول (مدیریت وجوه) است و از این لحاظ سعی کرده‌اند پس از اعطای تسهیلات در قالب عقود

مختلف و اتمام مراحل احداث پروژه، مشارکت بانک نیز خاتمه یابد. حال آنکه افراد پول خود را در اختیار بانکها قرار می دهند و باید قادر باشند تا کارآیی بانکها را مورد نظارت و سنجش قرار دهند. عدم امکان این سنجش ممکن است نوعی بی تفاوتی در بانکها ایجاد نماید (۲۸).

آیا می توان برای رفع این مشکل اساسی بدون تغییر در بافت کنونی بانکها، تدابیر لازم را اتخاذ کرد؟ یک راه حل، همانگونه که برخی از بانکهای ما از جمله بانکهای مسکن و سپه به اتخاذ و اجرای آن اقدام نموده اند، تفکیک عملیات بانکی از امور تجاری و سرمایه گذاری است. بدین توضیح که بانکها برای انجام امور تجاری و سرمایه گذاری خود به تاسیس شرکتهای مختلف سرمایه گذاری مستقل مبادرت نموده و نقش واسطه گری خود را کماکان به شیوه مرسوم ادامه خواهند داد. بعبارت دیگر به جز اعطای قرض الحسنه، نقل و انتقال پول و ارائه خدمات بانکی، اکثر معاملات و سرمایه گذاریها در چارچوب عقود اسلامی، به شرکتهای جدید التاسیس سرمایه گذاری منتقل خواهد شد و بدینگونه تحول قابل ملاحظه ای در ماهیت و نوع عملیات بانکها در نظام جدید بانکی کشور بوجود خواهد آمد.

پی نویس:

۲ و ۱:

- ۱- تعیین حداقل و یا حداکثر نسبت سهم سود بانکها در عملیات مشارکت و مضاربه، این نسبت ها ممکن است در هر یک از رشته های مختلف متفاوت باشد.
- ۲- تعیین رشته های مختلف سرمایه گذاری و مشارکت در حدود سیاستهای اقتصادی مصوب و تعیین حداقل نرخ سود احتمالی برای انتخاب طرحهای سرمایه گذاری و مشارکت.

حداقل سود احتمالی ممکن است در هر یک از رشته های مختلف متفاوت باشد .

۳- تعیین حداقل و حداکثر نسبت سود بانکها در معاملات اقساطی و اجاره به شرط
تملیک در تناسب با قیمت تمام شده مورد معامله . این نسبت ها ممکن است در موارد مختلف
متفاوت باشد .

۴- تعیین انواع و میزان حداقل و حداکثر کارمزد خدمات بانکی (مشروط بر اینکه بیش
از هزینه کار انجام شده نباشد) و حق الوکاله بکارگیری سپرده های سرمایه گذاری که توسط
بانکها دریافت می شود .

۵- تعیین نوع ، میزان ، حداقل و حداکثر امتیازات موضوع ماده ۶ و تعیین ضوابط
تبلیغات برای بانکها در این موارد .

۶- تعیین حداقل و حداکثر میزان مشارکت ، مضاربه ، سرمایه گذاری ، اجاره به شرط
تملیک ، معاملات اقساطی ، نسیه ، سلف ، مزارعه ، مساقات ، جعاله و قرض الحسنه برای بانکها و
یا هر یک از آنها در هر یک از موارد رشته های مختلف و نیز تعیین حداکثر تسهیلات اعطایی به
هر مشتری .

۳- متن مصوبه جلسه مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۵ هیات وزیران : هیات وزیران در جلسه
مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۲۵ با توجه به نامه شماره ۶۴/۷۴۲۶ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۱۳ ریاست جمهوری
تصویب نمودند :

۱- در ماده ۳ آیین نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) موضوع
تصویب نامه شماره ۸۸۵۲۶ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ هیات وزیران عبارت " شورای پول و اعتبار "
به " وزیر امور اقتصادی و دارایی " اصلاح شود .

۲- ماده ۶ آیین نامه فصل پنجم قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) موضوع تصویب نامه شماره ۸۸۵۲۸ مورخ ۱۳۶۲/۱۲/۱۷ هیات وزیران بدین ترتیب اصلاح شود: عبارت "شورای پول و اعتبار" در ماده ۶ به عبارت "وزیر امور اقتصادی و دارایی" اصلاح شود. عبارت "بانک مرکزی" در تبصره ماده ۶ به عبارت "وزارت امور اقتصادی و دارایی" اصلاح شود.

(ماخذ: والی نژاد، مرتضی، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، انتشارات مرکز آموزش بانکداری، چاپ اول ۱۳۶۸ صفحات ۳-۲۰۲ و ۷-۲۰۶ ایضا ملاحظات و توضیحات، صفحات ۱۴-۵۱۳.

۴- سید علی اصغر هدایتی، نقش استقلال بانک مرکزی، مقاله ارائه شده در اولین سمینار "سیاستهای پولی و ارزی"، برگزار کننده: موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳-۱۴ اسفند ماه ۱۳۶۹، نشریه موسسه تحقیقات پولی و بانکی، صفحات ۷۷-۴۸، تبیین جایگاه بانک مرکزی و ابزارهای سیاست پولی در بانکداری بدون ربا، مقاله ارائه شده در دومین سمینار "سیاستهای پولی و ارزی"، برگزار کننده: موسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۳۱-۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۷۱، نشریه موسسه تحقیقات پولی و بانکی صفحات ۴۹-۳۵.

۵- از جمله این موارد می توان به "مشارکت حقوقی" و "اجاره به شرط تملیک" اشاره کرد که وجه تسمیه آنها گویا و رسا بنظر نمی رسد. به تعبیر ماده ۱ آیین نامه و نیز دستورالعمل اجرایی مشارکت حقوقی "منظور از مشارکت حقوقی عبارتست از تامین قسمتی از سرمایه شرکتهای سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکتهای سهامی موجود". این تعبیر که در ترمینولوژی حقوق اروپایی EQUITY PARTICIPATION یا PARTICIPATION D'EQUITE

نامیده می‌شود، چنانکه از مفاهیم متناظر آن نیز برمی‌آید، در واقع مشارکت در سرمایه سهمی و یا مشارکت در سهام است و "مشارکت حقوقی" به مفهوم مورد استفاده در آیین نامه و دستورالعمل ذریبط خصوصاً با عنایت به برگردان تحت اللفظ آن LEGAL PARTICIPATION وافی به مقصود نمی‌باشد.

همچنین به تعبیر ماده ۱ آیین نامه و دستورالعمل مربوط، "اجاره به شرط تملیک، عقد اجاره ای است که در آن شرط شود مستاجر در پایان مدت اجاره در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد عین مستاجره را مالک گردد."

چنانکه ملاحظه می‌شود، اجاره به شرط تملیک، تلفیقی است از دو عقد اجاره و بیع و مالکیت عین مستاجره در پایان مدت اجاره از لوازم حتمی و به اصطلاح فقها "علت تامه" ابزار مورد بحث می‌باشد. بنابراین، اصطلاح "اجاره و تملیک" یا "اجاره تملیکی" به مراتب گویاتر و رساتر از اصطلاح "اجاره به شرط تملیک" می‌باشد. واژگان مصطلح این ابزار در کشورهای عربی زبان "الاجاره والاقتناء"، این نظر را تایید می‌نماید.

۶- از جمله این موارد به ماده واحده اصلاح ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و دو تبصره آن می‌توان اشاره داشت. برای مزید اطلاع نگاه کنید به: عملیات بانکی داخلی - ۲ (تخصیص منابع)، نشریه شماره ۵ موسسه بانکداری ایران، چاپ چهارم بهار ۱۳۷۲ صفحات ۲-۲۹۱، همچنین: والی نژاد، مرتضی، مجموعه قوانین و مقررات بانکی، نشریه شماره ۱۳ موسسه بانکداری ایران، چاپ اول ۱۳۶۸، صفحه ۱۷۵.

۹- به عنوان مثال به ذکر تعریف " ملی شدن " از فرهنگ ذیل مبادرت می شود :

"Nationalization : to make national in character , to transfer ownership of control of land , resources , etc. to the national government. Webster's New World Dictionary, 1982 , p.977.

10 - Centrally Planned Economy.

۱۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، فصل چهاردهم " بازنگری در قانون اساسی

متضمن اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی " .

۱۲- قانون پولی و بانکی کشور ، مصوب ۱۸ تیرماه ۱۳۵۱ ، قسمت دوم ، بانک مرکزی

ایران : فصل اول - کلیات ، فصل دوم - وظایف و اختیارات ، فصل سوم - ارکان ، فصل چهارم -

مقررات عمومی . طرح ادغام بانکها مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۸ مجمع عمومی بانکها متضمن ترکیب

کنونی بانکهای کشور به شرح مذکور در صفحه ۷ مقاله . برای مزید اطلاع نگاه کنید به : عملیات

بانکی داخلی - ۲ (تخصیص منابع) ، نشریه شماره ۵ موسسه بانکداری ایران ، چاپ سوم ، پاییز

۱۳۷۰ صفحات ۲۲۹ - ۲۲۳ . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱۳- بانک جدید التاسیس توسعه صادرات ایران که براساس مصوبه ۱۳۷۰/۴/۱۹

مجمع عمومی بانکها از سال ۱۳۷۰ بمنظور فراهم آوردن امکانات لازم جهت گسترش صادرات

کشور آغاز به فعالیت نموده است . گفتنی است که در زمان نگارش این مقاله ، به پیشنهاد سازمان

امور اداری و استخدامی کشور ، طرح تعیین جایگاه سازمان و نحوه فعالیت بانک رفاه کارگران در

چهل و چهارمین جلسه شورای عالی اداری مطرح و مقرر شد بانک رفاه کارگران با حفظ شخصیت

حقوقی و استقلال مالی و اداری در اختیار سازمان تامین اجتماعی قرارگیرد و اعضای هیات

مدیره و مدیر عامل آن نیز به پیشنهاد رئیس سازمان تامین اجتماعی و با تصویب مجمع عمومی

منصوب شوند. در این جلسه همچنین مقرر شد که بانک رفاه کارگران در ادامه فعالیت‌های خود به جز موارد مذکور، سایر قوانین و مقررات حاکم بر نظام پولی و بانکی کشور را رعایت کند. ماخذ: روزنامه اطلاعات مورخ ۱۳۷۲/۴/۳۰.

14 - Modus Operandi.

15 - Modes of Financing.

۱۶ - برای مزید اطلاع نگاه کنید به مقاله دیگری از نویسنده تحت عنوان: "نگرشی بر ابعاد نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران"، انتشارات اداره آموزش و مطالعات نیروی انسانی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، فروردین ماه ۱۳۷۲، ص ۶.

17 - "New Occational Paper Discusses Theory and Practice of Islamic Banking", IMF Survey, March 9, 1987, P.70 (A Critical Comment on: Zubair Iqbal and Abbas Mirakhor, Islamic Banking, Occational Paper (49), IMF Publication, Washington D.C. (March, 1987).

۱۸ - سید یونس صادقی "بررسی امکانات جایگزینی مشارکت مدنی با سایر عقود اسلامی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا"، رساله کارشناسی ارشد، موسسه بانکداری ایران اسفند ماه ۱۳۷۱.

۱۹ - همان ماخذ ص ۹۰.

۲۰ - سعید جمشیدی، "بررسی و تحلیل جایگاه مشارکت مدنی در بانکداری اسلامی ایران"، رساله کارشناسی ارشد، موسسه بانکداری ایران، اردیبهشت ماه ۱۳۷۲.

۲۱ - آمار پرسنل بانکهای سراسر کشور، نشریه اداره دبیرخانه شورای عالی بانکها، ۱۳۷۰، جدول ۱۳: مقایسه وضع تحصیلی کارکنان، صفحات ۵ و ۶.

۲۲ - سید یونس صادقی "بررسی امکانات جایگزینی مشارکت مدنی با سایر عقود

اسلامی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا"، ص ۸۶.

23 - PLS . 24 - Financial Intermediary . 25 - Management of Funds.

۲۶ - علی یاسری، ضرورت تحولات بیشتر در شبکه بانکی کشور، روزنامه اطلاعات،

دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۷۰، صفحه اقتصادی.

27 - Ali Yasseri , " Islamic Banking , An International Perspective " , A Paper Presented at the 2nd and 3rd " International Course in Islamic Banking, Organized by the Central Bank of the Islamic Republic of Iran , Babolsar , Islamic Republic of Iran . Oct 5-20, 1991 , Oct 3-16,1992 , PP. 1-3.

۲۸ - علی یاسری، ضرورت تحولات بیشتر در شبکه بانکی کشور، همان ماخذ.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ترکیب مانده تسهیلات اعطایی بانکها به بخش خصوصی
(درصد)

| ۱۳۷۰ | ۱۳۶۹ | ۱۳۶۸ | ۱۳۶۷ | ۱۳۶۶ | ۱۳۶۵ | ۱۳۶۴ | ۱۳۶۳ | |
|------|------|------|------|------|------|------|------|---------------------|
| ۴۶/۷ | ۴۸/۷ | ۴۶/۴ | ۴۶/۶ | ۴۲/۲ | ۳۵/۳ | ۳۲/۳ | ۳۳/۳ | فروش اقساطی |
| ۹/۶ | ۱۰/۲ | ۱۰/۷ | ۱۰/۸ | ۱۲/۵ | ۱۵/۳ | ۱۵/۷ | ۱۸/۱ | مضاربه |
| ۱۷/۷ | ۱۴/۴ | ۱۲/۷ | ۱۱/۶ | ۱۳/۷ | ۱۳/۳ | ۱۳/۰ | ۱۴/۷ | مشارکت مدنی |
| ۴/۱ | ۵/۷ | ۷/۴ | ۹/۶ | ۱۰/۴ | ۱۱/۵ | ۱۰/۶ | ۱۰/۵ | قرض الحسنه اعطایی |
| ۱/۴ | ۱/۱ | ۱/۴ | ۱/۹ | ۲/۱ | ۲/۱ | ۲/۰ | ۳/۸ | اجاره به شرط تملیک |
| ۴/۹ | ۵/۲ | ۶/۶ | ۴/۸ | ۴/۰ | ۳/۸ | ۳/۱ | ۳/۶ | معاملات سلف |
| ۴/۸ | ۴/۴ | ۵/۷ | ۷/۱ | ۷/۰ | ۶/۵ | ۷/۳ | ۳/۵ | مشارکت حقوقی |
| ۱/۳ | ۱/۳ | ۱/۳ | ۱/۳ | ۱/۶ | ۲/۷ | ۳/۵ | ۰/۶ | سرمایه گذاری مستقیم |
| ۷/۰ | ۶/۶ | ۵/۰ | ۲/۷ | ۱/۸ | ۱/۴ | ۱/۴ | ۰/۳ | جعاله |
| ۰/۱ | ۰/۳ | ۰/۶ | ۱/۰ | ۳/۰ | ۶/۳ | ۹/۹ | ۱۱/۴ | خرید دین |
| ۲/۴ | ۲/۱ | ۲/۲ | ۲/۶ | ۱/۷ | ۱/۶ | ۱/۲ | ۰/۲ | سایر* |
| ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۱۰۰ | جمع |

ماخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارشات سالانه

* در سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ به جای "سایر" عنوان "مطالبات معوق و سررسید گذشته" درج گردیده است.